

مجلس هشتم

فلسفه دعا و شرایط استجابت (۲)

طهران، مسجد قائم، شب ۲۱ رمضان المبارک سال

۱۳۹۷ هجری قمری

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَارِيِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ بَاعِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ السُّفَرَاءِ الْمُكْرَمِينَ،

خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ

حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ

الطَّاهِرِينَ

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

دعا روح عبادت

قال الله الحكيمُ في كتابه الكريم:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ
دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا
بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾^١

سابقاً عرض شد که اساس دين بر عبادت

است و اساس عبادت بر دعا است. دعا روح و

^١ سورة بقره (٢) آيه ١٨٦.

جان عبادت است، و شخصیت و کینونت
شخص مؤمن و متدین به دین، به همان حال
التجا و توسلی که به مقصد خود و به خدا دارد
بستگی دارد؛ هرچه این حال بهتر باشد، ایمان او
قوی تر و یقین او استوارتر است و هرچه کمتر
باشد، از این مرحله نصیب کمتری دارد.

شرایط استجاب دعا

برای دعا شرایطی ذکر شده است، من جمله
آن شرایط: یکی این است که انسان قبل از دعا،
خدا را تمجید کند، تحمید کند، تحسین کند،
صفات علیا و اسماء حسناى او را برشمرد، او را
به قدرت و عظمت بستاید، یکایک نعمی را که
به انسان داده است یاد کند و بعد دعا کند و از او
چیزی طلب کند.^۱

لذا مشاهده می‌کنیم در ادعیه‌ای که از ائمه
اطهار علیهم السلام روایت شده است، همه بر
این مضمون و بر این طریق است. در همین
دعای افتتاح که در شب‌های ماه رمضان
می‌خوانیم و دعای بسیار عالیة المضامینی است،
اوّل به حمد خدا و ستایش او شروع می‌کند:

اللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَفْتِیْحُ الشَّاءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ...

و صفات خدا را می‌شمارد و تمجید می‌کند و

^۱ إحياء علوم الدین، ج ۱، جزء ۳، ص ۵۵۶؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۸۴ و ۴۸۵.

بعد درخواست می کند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ...^۱

و آن وقت دعا می کند.

در دعای کامل داریم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي فَهَرَّتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ وَخَضَعَ
لَهَا كُلُّ شَيْءٍ...^۲

یکایک صفات خدا را می شمارد و بعد

می گوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ...^۲ و

شروع به دعا می کند.

یا در دعای صبح داریم:

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ، وَسَرَّحَ قَطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَابِهِ تَلَجُّجِهِ...^۳

و بعد شروع به دعا می کند:

وَافْتَحَ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَالْفَلَاحِ...^۳

^۱ تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۱۰۸ - ۱۱۱. شرح فقراتی از دعای افتتاح، ص ۲۴ و ۱۵۳:

«خدایا من افتتاح می کنم ثناء را به حمد تو، و تو کارهای راست و درست و یقینی و استوار را از روی من خود و کرم خود تسدید می کنی (یعنی کار را محکم می کنی).

پروردگارا، من از تو درخواست مسئله‌ای کوچک از دریای بی کران لطف تو دارم، درحالی که نیاز من به آن بسیار است.»

^۲ مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۸۴۴ - ۸۵۰. ترجمه از معاد شناسی، ج ۳، ص ۱۵۷؛ و شرح فقراتی از دعای ابوحمزه، ج ۲، ص ۱۶۴:

«بار خدای من، من تو را می خوانم به مقام رحمت خود که تمام موجودات را فرا گرفته است، و به قوتت که با آن تمام موجودات را مقهور فرمودی و در مقابل آن همه چیز به حال خضوع و ذلت درآمد...»

خدایا بیامرزش آن گناھانی را که پرده عصمت را پاره می کند.»

^۳ بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۳۹ - ۳۴۱. ترجمه:

«بار پروردگارا، ای کسی که روشنائی صبح دم را با بیان تابناکش بیرون آورد، و قطعه‌های شب تاریک را با سیاهی تحیرش پراکنده کرد...»

خدایا، درهای روز را با کلیدهای رحمت و رستگاری به روی ما بگشا!»

و حقاً هم همین‌طور است؛ انسان وقتی چیزی از یک بزرگ تقاضا می‌کند، اول صفات و کرم او را بیان می‌کند و بعد از او تقاضا می‌کند. یکی دیگر از شرایط دعا «یقین» است به اینکه مطمئن باشد که خدا می‌تواند حاجت انسان را بدهد، و دعا از روی شک و تردید و ریب نباشد. هر دعایی که از روی یقین باشد، به منصهٔ اجابت می‌رسد!^۱

یکی دیگر از شرایط دعا «إلحاح» است، یعنی اصرار کردن. انسان وقتی چیزی از شخصی می‌خواهد و می‌داند که این مشکل فقط به دست او حل می‌شود، جدی می‌خواهد؛ اما اگر شک داشته باشد که آن شخص می‌تواند این مشکل را حل کند یا نه، با خون‌سردی از او مطلبی را تقاضا می‌کند. از خدا باید جدی خواست؛^۲ چون:

أَزِمَّةُ الْأُمُورِ طُرًّا بَيِّدَهُ *** وَالْكُلُّ مُسْتَمِدَّةٌ مِنْ مَدَدِهِ^۳

«تمام این زمام‌ها و رشته‌های امور به دست خدا است، و تمام کائنات از مدد خدا امداد می‌شوند.»

(محقق)

^۱ الکافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

^۲ همان، ص ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۹۰؛ عدّة الدّاعی، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

^۳ شرح المنظومة، ج ۲، ص ۳۵.

این فقره منتخب از دعای امیرالمؤمنین
علیه السلام است که می‌فرماید: «عِلْمًا بِأَنَّ أَرْمَةَ
الْأُمُورِ بِيَدِكَ وَ مَصَادِرِهَا عَنْ قَضَائِكَ.»^۱

یکی از شرایط دعا این است که انسان وقتی
حال انقطاع به سوی خدا دارد و حالش خوش
است، و آن وقتی که رحمت پروردگار نازل
می‌شود، دعا کند؛ اما وقتی که حالش متغیر است
یا وقتی که غضب خدا می‌خواهد نازل شود، دعا
زیاد تعریف ندارد.^۲

مرحوم کلینی در کافی از حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که در
چهار موقع دعا را مغتنم بشمارید:

إِغْتَمِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ أَرْبَعٍ: عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ عِنْدَ الْأَذَانِ وَ عِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ وَ عِنْدَ التِّقَاءِ
الصَّفَيْنِ لِلشَّهَادَةِ.^۳

«وقتی که تلاوت قرآن می‌کنید، بعد از آن دعا
کنید!»

زیرا که در حال تلاوت قرآن، شما مشغول
صحبت کردن با خدا بودید و کلام او را استماع
کردید و انقطاعی پیدا کردید و رحمتی به شما

^۱ نهج البلاغة (صبحی صالح)، ص ۳۴۹، خطبة ۲۲۷. تفسیر آیه نور، ص ۲۴۳، تعلیقه:

«زیرا که می‌دانند سررشته تمام کارها به دست توست، و صدور احکام قضاء
به فرمان تو می‌باشد.»

^۲ الکافی، ج ۲، ص ۴۷۷.

^۳ همان.

نازل شده است؛ لذا دعا بعد از تلاوت قرآن مستجاب است.

«و دعا بعد از اذان مستجاب است.»

خدا را به تکبیر و تحمید یاد کردید، شهادت بر توحید و رسالت دادید، بر سنت پیغمبر اعلام به نماز کردید و حالی پیدا کردید، و اگر دعا کنید مستجاب است؛ لذا مستحب است انسان بعد از اذان دعا کند. (همچنین دعا بین اذان و اقامه هم وارد شده است.)^۱

«و هنگامی که باران از آسمان می آید، دعا کنید! (چون رحمت خدا نازل می شود.)»

و وقتی دو صف: صف مؤمنین و صف کفار و مشرکین برای جنگ در مقابل همدیگر قرار می گیرند.»

مؤمنین در مقابل کفارند و آماده برای شهادت، در میدان جهاد قدم گذاشته اند و همه به سوی خدا منقطع اند، اینجا دعا مستجاب است؛ لذا قبل از اینکه جنگ کنند، دعا کنند.

روایت دیگری در کافی از حضرت صادق علیه السلام است که می فرماید:

أَطْلُبُوا الدُّعَاءَ فِي أَرْبَعِ سَاعَاتٍ: عِنْدَ هُبُوبِ الرِّيحِ وَ زَوَالِ الْأَفْيَاءِ وَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ أَوَّلِ قَطْرَةِ
مِن دَمِ الْقَتِيلِ الْمُؤْمِنِ؛ فَإِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ عِنْدَ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ.^۲

^۱ عده الدّاعی، ص ۱۲۵.

^۲ الکافی، ج ۲، ص ۴۷۶.

«در چهار ساعت دعا کنید: وقتی که باد می‌وزد، دعا کنید! (آن وزش باد رحمت خدا است.) و در وقتی که سایه‌ها می‌رود و خورشید غروب می‌کند (در آن منظره غروب خورشید)، دعا مستجاب است.»

خدا هم در قرآن مجید می‌فرماید: **(وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا)**.^۱ «و وقتی باران از آسمان می‌آید، دعا کنید! و وقتی اولین قطره از خون شهید مؤمن به زمین ریخته می‌شود، دعا کنید! این ساعت خیلی قیمت دارد و درهای آسمان در این مواقع باز است و کسی که دعا کند، دعایش مستجاب است.»

حصول شرایط استجاب دعا در شب قدر

حالا که شب بیست و یکم ماه رمضان است و ما در این مسجد آمده‌ایم، غیر از آن شرایطی که سابقاً ذکر شد^۲ و **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** در ما محقق است، مسلماً بعضی از این شرایطی هم که ذکر کردیم، محقق است؛ اولاً: بعد از نماز و تلاوت قرآن و عبادت و اذان و دعا و اینها است، و ثانیاً: دعایی

^۱ سوره طه (۲۰) آیه ۱۳۰. نور ملکوت قرآن، ج ۲، ص ۵۴۳:
«وقبل از آنکه آفتاب طلوع کند و قبل از آنکه غروب نماید، با حمد و ستایش پروردگارت او را تسبیح کن!»
^۲ رجوع شود به ص ۱۵۸.

که می‌کنیم جداً بخواهیم و در این دعا إلحاح داشته باشیم و یقین داشته باشیم که کار به دست خدا است و بس!

امشب شب عزیزی است، شب شهادت امیرالمؤمنین است، یگانه دُرّ صدف کائنات، یگانه والی عالم امکان و یگانه خورشید آسمان ولایت، که امشب خون او به زمین ریخته شده است؛ بنابراین در چنین موقعی دعا کنیم، کأنه در اطراف بستر امیرالمؤمنین هستیم و به برکت آن حضرت که واسطه فیض و موجب جلب افاضات عالم ملکوت بر این عالم است، خدا تفضلی می‌کند و دعاها را مستجاب می‌کند. همه به سوی خدا منقطع باشید و یک توبه اجمالی از همه گناهان بکنید، بعد برای قضای حوائج شخصی، نوعی، رفع گرفتاری‌ها، فرج امام زمان، تعجیل ظهور آن حضرت، صفای قلب، زیادی یقین، روحانیتی که خدا به دل‌های شما بدهد و از عمری که می‌کنید حداکثر استفاده را بنمایید و در عاقبت عافیت نصیب شما بشود، دعا کنید! اینها مسائل خیلی مهمی است که در این مواقع حسّاس، اگر از خدا بخواهیم امید استجابت داریم.

علّت لزوم پایبندی همه افراد به آخرین وصیت

امیرالمؤمنین علیه السّلام

امیرالمؤمنین علیه السّلام چند وصیّت کردند که وصیّت‌های آن حضرت در کتب معتبره ثبت شده است. یک وصیّت هم امروز کردند، که مرحوم کلینی آن وصیّت را در فروع کافی در کتاب وصایا ذکر کرده است،^۱ و همچنین ابن شعبه حرّانی در تحف العقول آورده است.^۲ این وصیّت امیرالمؤمنین که راجع به نماز و زکات و احسان و دست‌گیری از یتام و مستمندان و حجّ بیت‌الله الحرام و سایر جهات است، طبق فرمایش آن حضرت، اختصاص به حضرت امام حسن و امام حسین و سایر فرزندان آن حضرت ندارد، بلکه می‌فرماید: «مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي؛ کسی که این وصیّت من به او برسد او وصیّ من است؛ هر که می‌خواهد باشد.» بنابراین ما این وصیّت را می‌خوانیم و معنا می‌کنیم و بعد إن شاء الله به مقدار مقتضی در احوالات امیرالمؤمنین صحبت می‌کنیم. این وصیّتی که الآن قرائت می‌شود، بعد از این فرمایش حضرت است: «هر کس این وصیّت را بشنود وصیّ من است.» بنابراین ما همه وصیّ

^۱ الکافی، ج ۷، ص ۵۱.

^۲ تحف العقول، ص ۱۹۷.

امیرالمؤمنین می‌شویم، پس خیلی دارای مقام و شرف هستیم که امیرالمؤمنین ما را وصی خود قرار می‌دهد! آن وقت در این مقام باید دانست که کسی که وصی امیرالمؤمنین بشود و بر خلاف وصیت رفتار کند، کارش مشکل است؛ چون در قرآن مجید داریم:

﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۱

«شخصی که از دار دنیا می‌خواهد برود و کسی را وصی خود قرار می‌دهد، آن کسی که وصی می‌شود باید طبق وصیت رفتار کند؛ اگر تبدیل بکند، تحریف بکند و مواد و موارد وصیت را از روی ذوق و سلیقه خود عوض بکند گناه بر گردن او است، و خدا دانا است و از تحریف و تبدیل او اطلاع دارد.»

حالا همه آماده باشیم که وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام را گوش کنیم و از خدا بخواهیم که ما را به عمل کردن بر طبق این وصیت، موفق کند:

فرازهای از وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام

در نوزدهم ماه مبارک رمضان

^۱ سوره بقره (۲) آیه ۱۸۱.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هذا ما أوصى به عليُّ بنُ أبي طالبٍ: أوصى أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، ﴿أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^١، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ ﴿إِنِّ

صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ
الْمُسْلِمِينَ﴾^٢.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. این آن موادی است که علی بن ابی طالب به آن وصیت کرده است؛ وصیت می کند بر یگانگی پروردگار و شهادت بر آن می دهد، و شهادت می دهد که محمد بنده خدا و رسول خدا است که: ﴿خدا او را با هدایت فرستاده است برای اینکه مردم را به عالم توحید و معرفت رهبری کند، و او را با دین حق فرستاده است تا اینکه دین او بر سایر ادیان و آراء و مذاهب غلبه کند، گرچه مشرکین را ناپسند باشد.﴾ پس ﴿نماز من، عبادت من، زندگی من و مردن من اختصاص به خدا دارد * پروردگار و آفریدگار عالمیان، شریکی ندارد، و من مأمور به این مطلب هستم و شهادت می دهم که من از مسلمانانم.﴾»

وصیت امیرالمؤمنین به تقوا و اتحاد بین مؤمنین

^١ سوره توبه (٩) آیه ٣٣؛ سوره صف (٦١) آیه ٩.

^٢ سوره أنعام (٦) آیه ١٦٢ و ١٦٣.

ثُمَّ إِنِّي أَوْصِيكَ يَا حَسَنَ وَ جَمِيعَ أَهْلِ بَيْتِي وَ
وَأَلِيٍّ وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي، بِتَقْوَى اللَّهِ رَبِّكُمْ ﴿وَلَا
تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾.^۱

«پس حقاً من تو را وصی قرار می‌دهم ای
فرزندم، ای حسن، و وصی قرار می‌دهم جمیع
اهل بیت خود و فرزندان خود را، و هر کس که
این وصیت من و این نوشته من به او برسد؛ شما
را به تقوای خدا که پروردگار شما است سفارش
می‌کنم و وصیت می‌کنم که ﴿مبادا شما را مرگ
دریابد الاّ به حال اسلام و تسلیم اوامر
پروردگار!﴾»

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾،^۲ فَإِنِّي
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ:
«صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ
الصِّيَامِ؛ وَ أَنَّ الْمُبِيرَةَ الْحَالِقَةَ لِلدِّينِ فَسَادُ ذَاتِ
الْبَيْنِ.» و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

«همه به ریسمان خدا چنگ بزنید، یک‌دل و
یک‌جهت و یک‌هدف باشید و جدایی و تفرقه
نداشته باشید.» و من از پیغمبر خدا شنیدم که
می‌فرمود: «اگر کسی بین دو نفر که با یکدیگر
کدورت دارند اصلاح کند، ثوابش از همه نمازها

^۱ سوره آل عمران (۳) آیه ۱۰۲.

^۲ سوره آل عمران (۳) آیه ۱۰۳.

و روزه‌ها بیشتر است؛ و آن چیزی که اساس دین را ریشه‌کن می‌کند و می‌برد، فساد کردن و آتش‌کدورت را دامن زدن است بین دو نفر که با یکدیگر کدورت دارند.»

وصیت امیرالمؤمنین نسبت به خویشاوندان،

یتیمان، قرآن و همسایگان

انظروا ذوی أرحامکم فصلوهم، یهونُ الله علیکم
الحساب!

«دیگر آنکه در ارحام خود نظر کنید، از احوالات آنها تفقد و تجسس کنید، به رحم‌های خود رسیدگی کنید و آنها را صله کنید، خدا هم به پاداش این عمل، حساب شما را در روز بازپسین آسان می‌کند!»

الله الله فی الأیتام! فلا تُغبوا أفواههم ولا یضیعوا بحضرتکم! فقد سمعتُ رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: «من عال یتیمًا حتی یتغنی أوجبَ الله عزوجلَّ له بِذَکَ الجَنَّةَ، کَمَا أوجبَ لِأکلِ مالِ الیتیمِ النارَ.»

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را درباره یتیمان در نظر بگیرید! مبادا آنها گرسنه بمانند! مبادا به آنها رسیدگی نشود و از آنها سرپرستی نکنید! مبادا در مرئی و منظر شما حق آنها ضایع بشود! من از پیغمبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «کسی که متکفل

امر یتیمی بشود تا به سر حدی که خود آن یتیم مستغنی بشود و در امورش خود مختار شود، خدا به پاداش این عمل، بهشت را بر او واجب می‌کند؛ کما اینکه به خورنده مال یتیم آتش را واجب کرده است.»

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ! فَلَا يَسْبِقُكُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ أَحَدٌ
غَيْرُكُمْ!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را درباره قرآن و در عمل به قرآن در نظر بگیرید! مبادا افرادی غیر از شما که دارای مذهب شما نیستند، به قرآن عمل کنند، از ظواهر قرآن استفاده کنند و در عمل به قرآن از شما جلو بیفتند!»

اللَّهُ اللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ! فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ أَوْصَى بِهِمْ! وَ مَا زَالَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَ آلِهِ يَوْصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَّنَا أَنَّهُ سَيُورِثُهُمْ!

«خدا را درباره همسایگان در نظر بگیرید! پیغمبر شما دائماً به همسایگان وصیت می‌کرد! و پیوسته رسول خدا وصیت به همسایگان می‌کرد تا به

سر حدی که ما گمان بردیم که قرابت و نزدیکی همسایه با انسان به حدی است که پیغمبر می‌خواهد آنها را وارث انسان قرار بدهد!»

وصیت امیرالمؤمنین نسبت به خانه خدا، نماز،

زکات، ماه رمضان و فقرا

اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ! فَلَا يَخْلُوا مِنْكُمْ مَا بَقِيتُمْ!
فَإِنَّهُ إِنْ تَرِكَ لَمْ تُنَاطِرُوا! وَ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ
أَمَّهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را در خانه
پروردگارتان در حج و عمره و زیارت بیت‌الله
الحرام در نظر بگیرید! مبادا آن خانه را از خود
تنها بگذارید تا آنگاه که شما باقی هستید! بدانید
که اگر خانه خدا ترک بشود و کسی برای
زیارتش نرود، دیگر هیچ نظر رحمتی به شما
نخواهد شد! و کمترین اجر و ثواب کسی که
قصد خانه خدا می‌کند آن است که تمام گناهان
گذشته او آمرزیده می‌شود.»

اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ! فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ، إِنَّهَا عَمُودُ
دِينِكُمْ!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را درباره نماز در
نظر بگیرید! نماز بهترین اعمال است، حقاً نماز
ستون دین شما است!»

اللَّهُ اللَّهُ فِي الزَّكَاةِ! فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ رَبِّكُمْ!

«خدا را در ادای زکات در نظر بگیرید، و زکات
مال خود را بدهید؛ چون زکات غضب پروردگار
شما را خاموش می‌کند!»

اللَّهُ اللَّهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ! فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ!

«خدا را درباره ماه رمضان در نظر بگیرید! روزه

ماه رمضان سپری است از آتش جهنم!»

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ! فَشَارِكُوهُمْ فِي
مَعَايِشِكُمْ!

«خدا را درباره مستمندان و فقرا و بینوایان در نظر
بگیرید! و آنها را در معیشت‌های خود شرکت
بدهید!»

وصیت امیرالمؤمنین نسبت به جهاد، ذریه و

اصحاب پیغمبر، زنان و کنیزان

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَالسِّتَةِ!
فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ رَجُلَانِ: إِمَامٌ هُدًى أَوْ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ
بِهْدَاهِ.

«خدا را درباره جهاد با اموال خود، با جان‌های
خود و با زبان‌های خود در نظر بگیرید و با اینها
در راه خدا جهاد کنید! فقط دو دسته در راه خدا

مجاهدند: یکی آن پیشوایی که از روی هدایت و
بصیرت، زمام امور مردم را در دست گرفته است
و امام به حق و عادل برای جمعیت است؛ دیگر
آن کسی که مطیع چنین امامی است و اقتدا به
هدایت و راهنمایی او می‌کند؛ (و بقیه افراد
مجاهد نیستند).»

اللَّهُ اللَّهُ فِي ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكُمْ! فَلَا يُظْلَمَنَّ بِحَضْرَتِكُمْ وَ
بَيْنَ ظَهْرَانِيكُمْ، وَأَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَى الدَّفْعِ عَنْهُمْ!

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را دربارهٔ ذریّهٔ پیغمبر خود در نظر بگیرید! مبادا در میان شما و در حضور و غیبت شما آنها مورد ستم و ظلم واقع بشوند! مبادا در شهر شما آنها مورد ستم واقع بشوند و شما بتوانید از آنها دفع کنید ولی دفاع نکنید!»

اللّٰهُ اللّٰهُ فِى اَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ الَّذِيْنَ لَمْ يُحَدِثُوْا حَدَثًا وَّ لَمْ يُؤْوُوْا مُّحَدَّثًا! فَاِنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَّ اٰلِهٖ اَوْصٰى بِهِمْ، وَّ لَعَنَ الْمُحَدِّثَ مِنْهُمْ وَّ مِنْ غَيْرِهِمْ وَّ الْمُؤْوٰى لِلْمُحَدِّثِ!

«خدا را دربارهٔ اصحاب پیغمبر خود در نظر بگیرید، آن اصحابی که بدعتی در دین نگذاشتند و حدّی ایجاد نکردند و بدعت گذارنده‌ای را مأوا ندادند! پیغمبر خدا به آن اصحاب پاک، سفارش می‌فرمود؛ ولی آن افرادی از صحابهٔ خود را که حدّی در دین می‌گذاشتند و دین تازه‌ای به نام سنت پیغمبر می‌آوردند و بدعتی می‌نهادند، لعن می‌کرد؛ و هم‌چنین آن افرادی از اصحاب خود و از غیر از اصحاب خود را که به آن افرادی که بدعت می‌گذارند و ایجاد حدّی در دین می‌کردند، مأوا می‌دادند و کمک می‌کردند، لعن می‌کرد!»

اللّٰهُ اللّٰهُ فِى النِّسَاءِ وَّ فِى مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ! فَاِنَّ اٰخِرَ مَا تَكَلَّمُ بِهِ نَبِيُّكُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَنْ قَالَ:

«أوصيكم بالضعيفين: النساءِ و ما مَلَكَتْ
أيمانكم!»

«خدا را در نظر بگیرید، خدا را دربارهٔ زنان و
دربارهٔ ممالیک خود در نظر بگیرید! باید به
کنیزها و غلام‌هایی که زیر دست شما هستند
خیلی احسان و رحمت کنید! آخرین سخنی که
پیغمبر شما فرمود این بود: "ای مردم،

شما را وصیت می‌کنم به دو طایفهٔ ضعیف که
حق آنها را رعایت کنید: یکی طایفهٔ زنان و دیگر
ممالیک شما!"»

**وصیت امیرالمؤمنین به پایداری در راه خدا،
احسان و کمک به دیگران، امر به معروف و
نهی از منکر**

الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ! «نماز، نماز، نماز!»
لا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِمَةً! يَكْفِيكُمُ اللَّهُ مَنْ آذَاكُمْ
و بَغَىٰ عَلَيْكُمْ!

«در راه خدا از هیچ امری نترسید و از ملامتِ هیچ
ملامت‌کننده‌ای باک نداشته باشید! خدا خودش
از اذیت افرادی که می‌خواهند شما را آزار بدهند
و بر شما ستمی بکنند، کفایت می‌کند! شما در
راه خدا حرکت کنید و باکی نداشته باشید؛ خدا
حافظ شما است!»

﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾^۱، کَمَا أَمَرَكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ!

«با مردم به نیکی برخورد کنید! (زبان خوش داشته باشید، امر به خوبی کنید و دعوت به بدی نکنید.) ﴿کَمَا اینکه خدای عزوجل شما را به آن امر کرده است!﴾»

و لَا تَتْرُكُوا الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ،
فِيُؤَلِّيَ اللَّهُ أُمْرَكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ
لَكُمْ عَلَيْهِمْ!

«امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ که اگر ترک کردید خداوند بدان شما را بر شما مسلط می‌کند که زمام امور شما را به دست بگیرند، سپس هرچه دعا کنید دیگر مستجاب نمی‌شود!»

و عَلَيْكُمْ - يَا بَنِيَّ - بِالتَّوَّاصُلِ وَ التَّبَادُلِ وَ التَّبَارُّ، وَ
إِيَّاكُمْ وَ التَّقَاطُعَ وَ التَّدَابُرَ وَ التَّفَرُّقَ!

«ای فرزندان من، بر شما باد و لازم و واجب است که با یکدیگر وصل کنید، اتحاد کنید، درباره یکدیگر ایثار کنید، فداکار باشید، شما مال خود را به دیگری بذل کنید و دیگری به شما بذل کند، و بر و احسان شما از هریک به دیگری برسد! و مبادا شما به یکدیگر پشت کنید و جدایی اختیار کنید و احسان و مودت و

^۱سوره بقره (۲) آیه ۸۳.

صمیمیت و اتحاد بین شما بریده شود!»

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۱

«تا می‌توانید به یکدیگر کمک کنید! هرچه

می‌توانید در برّ و تقوا، در نیکی، در احسان، در

کارهای خوب و در کارهایی که انسان را به تقوا

می‌رساند، کمک کنید! و بر گناه و ستم کمک

نکنید، و هر جا که می‌بینید جای گناه یا جای ستم

است، خودتان را کنار بکشید و به هیچ وجه

کمک کار در آن کار نباشید! و از خدا پرهیزید که

خدا (شَدِيدُ الْعِقَابِ) است! ﴿﴾»

حَفِظَكُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ، وَ حَفِظَ فَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ!

أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ

وَ بَرَكَاتِهِ!

«خدا ان شاء الله همه شما را حفظ کند، که شما

اهل بیت من و از این خاندان هستید، و خدا در

میان شما پیغمبر شما را حفظ کند! (یعنی سنت

و آیین پیغمبر را در قلوب شما حفظ کند تا وجود

شما همیشه ملازم با پیغمبر باشد و از حیات

پیغمبر در دل‌های شما باشد.) همه شما را به خدا

می‌سپارم، با همه شما وداع می‌کنم و بر همه شما

سلام می‌فرستم، سلام خدا و رحمت خدا و

^۱ سوره مائده (۵) آیه ۲.

برکات خدا بر شما باد!»

ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» حَتَّى قُتِلَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ «آن حضرت بعد از این وصیت دائماً می گفت: "لا إله إلا الله، لا إله إلا الله!" تا اینکه روح مبارکش به عالم ملکوت رهسپار شد.»^۱

این وصیتی است که مسلماً امروز فرموده است؛

چون از ذیل این وصیت که می فرماید: «ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَقُولُ:

"لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" حَتَّى قُتِلَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ» معلوم

می شود که آخرین وصیت آن حضرت است و

امیرالمؤمنین علیه السلام واقعاً جهات مهمی را در این

وصیت تذکر داده است و به ما سفارش کرده است.

امیدواریم که از مقام ولایت آن حضرت

کمکی بشود و ما از این به بعد موفق بشویم که

به این وصیت آن حضرت عمل کنیم و نماز،

زکات، روزه ماه رمضان، عمل به قرآن، حج

بیت الله الحرام، کمک به مستمندان و فقیران و

مسکینان و یتیمان و مراعات زنان و سایر اموری

را که آن حضرت در این وصیت نامه به ما تذکر

داده اند، محترم بشماریم.

^۱ الکافی، ج ۷، ص ۵۱.

ذکر شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام

روایتی در بحارالانوار است که محمد بن

حنفیّه روایت می کند:

در شب بیستم ماه رمضان، آثار زهر در قدم‌های پدرم امیرالمؤمنین ظاهر شد. در آن شب نتوانست ایستاده نماز بخواند و تا صبح نمازها را نشسته می خواند و از شدت اثر سمّ تا صبح آن حضرت را خواب نبرد، و دائماً با ما صحبت می کرد و ما را به غیب دلالت می کرد و ما را تسلی می داد. صبح که شد فرمود: «در را باز کنید تا هر کسی می خواهد به عیادت من بیاید، بیاید!» ما در را باز کردیم و مردم دسته دسته برای عیادت پدرم می آمدند. پدرم می فرمود: «سلونی قبل أن تفقدونی! هرچه می خواهید سؤال کنید قبل از اینکه دیگر مرا نیابید!» مردم سؤال می کردند، و آقا به جهت وضعیّت شان می فرمودند: «هرچه می خواهید سؤال کنید، ولی سؤال‌های خود را کوتاه و سبک کنید!»

حُجر بن عدی که از اصحاب بزرگوار آن حضرت است، برخاست و چند بیت شعر در [رثاء آن حضرت و برائت از قاتلان و دشمنان حضرت خواند.

امیرالمؤمنین فرمود: «چه حالی داری] در آن

وقتی که تو را بطلبند و بگویند که از علی بیزاری بجوی!»

گفت: «قسم به خدا اگر مرا زیر شمشیر قطعه قطعه کنند و بعد آتش بزنند، من از تو برائت نخواهم جُست!» امیرالمؤمنین علیه السّلام درباره او دعای خیری کرد.^۱

بعد از این، [ابن ملجم را وارد کردند]. حضرت امّ کلثوم رو به ابن ملجم کرد و گفت: «ای ابن ملجم، کار بزرگی کردی! اگر امیرالمؤمنین بهبودی بیابد وای به حال تو!» ابن ملجم گفت: «امیرالمؤمنین بهبودی بیابد! کجا بهبودی بیابد؟! پس تو چرا گریه می کنی؟ آیا بر من گریه می کنی یا بر علی؟ من شمشیری به هزار درهم خریدم و هزار درهم به آن سمّ دادم، و چنان ضربتی زدم که اگر بر اهل عالم قسمت کنند همه می میرند!»^۲ این ضربت ابن ملجم بود!

أصبع بن نباته می گوید:

من وارد شدم و دیدم که امیرالمؤمنین از شدت درد، یک پای خود را بلند می کند و می گذارد، بعد پای دیگر را بلند می کند و می گذارد.^۳

^۱ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۹۰.

^۲ همان، ص ۲۸۹، به نقل از الإرشاد، ج ۱، ص ۲۱.

^۳ الرّوضة فی فضائل أميرالمؤمنین، ابن شاذان، ص ۱۳۲.

[راوی می گوید]:

حال آقا ساعت به ساعت سنگین می شد و فرمود که درب منزل را ببندند، و دیگر کسی برای ملاقات نمی آمد. تمام پسران و دختران را امر فرمود تا همه حاضر شدند. ذکر آن حضرت «لا إله إلا الله» بود و بس! تقریباً ثلثی از شب که گذشت، بدن آقا غرق عرق شد و عرق از پیشانی مبارکش مانند دانه های درّ می ریخت، آقا عرق های پیشانی را با دست پاک می کرد و می فرمود: «شنیدم از رسول خدا که می فرمود: "وقتی وفات مؤمن نزدیک می شود، پیشانی اش عرق می کند و ناله او ساکت می شود."»

حضرت امام حسن عرض کرد: «پدر جان، طوری صحبت می کنی کأنه به کلی از خود نا امید شده ای!»

فرمود: «آری، چند لحظه ای دیگر من با شما نیستم! چهار شب پیش در شب هفدهم ماه رمضان، به شکرانه فتح بدر که در روز هفدهم ماه رمضان اتفاق افتاد، من تا صبح بیدار بودم، در بین الطلوعین از شدت بیدار ماندن، سرم را روی زانو گذاشته بودم که به یک چرت مختصری رفتم، جدت رسول خدا را دیدم و به آن حضرت عرض کردم: یا رسول الله، ماذا لقيتُ من أمّتك

مِنَ الْأَوْدِ وَاللَّدَدِ! ^{۱۱} ”چقدر من از دست این امت
آزار کشیدم و

چقدر اینها با من دشمنی و شقاوت و بدبختی
کردند!“

پیغمبر فرمود: ”ای علی، دعا کن!“ من دعا
کردم: خدایا، بعد از من بدان را بر آنها مسلط کن
و به عوض آنها، ملاقات خوبان را نصیب من
کن!

جدّت فرمود: ”ای علی، دعایت مستجاب شده
است و سه شب دیگر میهمان ما هستی!“ ای
حسن! این شب، شب سوّم است!“

حضرت به امام حسن فرمود:
«تو را وصیّت می‌کنم که بعد از من به صبر و
بردباری رفتار کنی و با برادران خود به مهربانی
و عطوفت! از همه آنها سرپرستی کنی و با
برادرت محمّد بن حنفیه مهربان باش! می‌دانی
که من او را دوست دارم، و او فرزند پدر تو
است. اما درباره حسین، او فرزند زهرا است و

۱۱ مطابق نسخه نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص
۹۹، خطبه ۷۰. نسخه بحار الأنوار: «فَشَكَّوتُ إِلَيْهِ مَا
أَنَا فِيهِ مِنَ التَّذَلُّلِ وَالْأَذَى مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ.»

برادر اعیانی^۱ تو است، و دیگر احتیاج به وصیت
و سفارش نیست!»

حضرت امام حسن خیلی گریه می کرد،
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «تو را به جان من و
به حق من بر تو، گریه نکن!»

فرزندش امام حسن عرض کرد: «پدر جان،
کمر ما را شکستی! به خدا قسم آن قدر گریه برای
مصیبت تو باشد!»

آقا از هوش رفت! سیدالشهدا علیه السلام
مانند ابر بهار گریه می کرد و از شدت گریه،
چشمانش آماس و ورم کرده بود. اشک های آن
حضرت به صورت امیرالمؤمنین ریخت،
حضرت چشمان خود را باز کرد و حضرت امام
حسین را در آغوش گرفت و فرمود:

«تو را به حقی که بر تو دارم، گریه نکن! الآن
در آسمانها بودم، دیدم گریه تو ملائکه آسمان
را به گریه درآورده است! ای حسین من! بعد از
این، این امت کینه های دیرینه ای از شما خواهند
کشید و شما را به انواع مصائب مبتلا خواهند
کرد، و تو را با تیر ستم شهید می کنند! بر تو باد
به استقامت و صبر و تفویض امور خود به

^۱ یعنی برادر پدری و مادری. (محقق)

خداوند متعال!) «آنگاه آقا نگاهی به سایر فرزندان کرد و فرمود:

«ای فرزندان من، دست از این دو برادر خود بردارید! از رسول خدا شنیدم که می فرمود: «إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ إِمَامَانِ، قَامَا أَوْ قَعَدَا؛ حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ دَوَّامَانِ بِحَقِّكَ؛ قِيَامٌ كُنْتُمْ يَأْتِيهِمْ»^۱ در تمام مراحل از آنها پشتیبانی کنید، امر آنها را اجرا کنید و از آنها جدا نشوید! خدا همه شما را مورد رحمت و عافیت و مغفرت قرار بدهد!»

آقا بی هوش شد، دیگر رمقی نمانده است! صدای شیون و ناله از همه افرادی که کنار بستر حضرت بودند بلند شد! چند لحظه ای نگذشت که چشمان خود را باز کرد صدا زد:

«ای نور دیدگان من، همه شما را به خدا می سپارم! الآن پیغمبر آمده است، حمزه سیدالشهدا آمده است، برادرم جعفر آمده است، و می گویند: «ای علی، بهشت را زینت کرده ایم، زود به سوی ما بشتاب! ما همه انتظار ملاقات تو را داریم.»»

آن وقت فرمود: «ای ملائکه ای که به استقبال

^۱ مطابق نسخه مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۳، ص ۳۹۴. نسخه بحار الأنوار: «أوصاهم أن لا يُخالفوا أولادَ فاطمة، یعنی الحسن و الحسين.»

علی آمده‌اید، سلام من بر شما! ﴿لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ
 الْعُمَلُونَ﴾^۱، ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ
 مُحْسِنُونَ﴾^۲. ۲ «(برای اینکه اکنون نخستین ساعتی
 است که نتیجه ایمان و جهاد و عبادت در آن ساعت
 وارد می‌شود!)»

این آخرین خطبه حضرت بود. [راوی
 می‌گوید]:

حضرت یک نظر مرحمت دیگر به تمام اولاد
 کرد و بعداً پاهای خود را رو به قبله کشید و صدا
 زد: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ
 رَسُولُهُ!»

صدای شیون و ناله از خانه امیرالمؤمنین بلند شد،
 همه فریاد می‌زدند: «وَ أَبَتَاهُ، وَ أَبَتَاهُ، وَ إِمَامَاهُ، وَ
 عَلِيَّاهُ، وَ اعْلِيَّاهُ، وَ مُحَمَّدَاهُ، وَ جَعْفَرَاهُ، وَ
 مُصْطَفَاهُ!»

جبرائیل امین در میان آسمان و زمین صدا
 می‌کرد: «ای اهل عالم، علی را کشتند!»
 صدای جبرئیل به تمام خانه‌های کوفه رسید و
 صدای شیون و ناله از همه خانه‌ها بلند شد: «وَ

^۱ سوره صفات (۳۷) آیه ۶۱. رساله لبّ اللباب، ص ۱۸، تعلیقه:

«برای چنین چیزی، عمل‌کنندگان باید عمل کنند!»

^۲ سوره نحل (۱۶) آیه ۱۲۸. رساله لبّ اللباب، ص ۱۸، تعلیقه:

«خداوند همراه کسانی است که تقوا گزیده‌اند و آنان که ایشان نیکوکارند.»

^۳ بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۹۱، با قدری اختلاف.

عَلِيَّاهُ، وَاعَلِيَّاهُ، وَاعَلِيَّاهُ، وَاعَلِيَّاهُ!»^۱

^۱ رجوع شود به بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۹۳، با قدری اختلاف.